

آلات موسیقی قدیم ایران

و دیگر کشورهای خاورمیانه

از دکتر مهدی فروغ

۶

سنتور - قانون

نظر بشباهت بسیاری که از حیث ساختمان و طرز نواختن بین سنتور و قانون هست هر دو را تحت یک عنوان مورد مطالعه قرار میدهیم .
سنتور - در کتابها و نسخ فارسی و عربی و ترکی کلمه سنتور باصا و سین و تاء و طاء باختلاف ضبط شده و بعضی هم آنرا صانطور نوشته اند .
در زبان تازی آنرا سنطیر مینویسند .
سنتور هم یکی دیگر از جمله سازهایست منسوب بایران و خاورمیانه که در اوائل قرون وسطی بکشور های اروپا راه یافته و بنام و بشکلهای گوناگون در نقاط مختلف آن قاره معمول و متداول گردیده است .
در زبان انگلیسی آنرا دالسی مر (Dulcimer) مینامند که مأخوذ از کلمه دولسی مر (Doulcimere) یا دولسی مل (Doulcimele) (فرانسۀ قدیم) میباشد . فرانسویها نیز بنوبه خود این کلمه را از ایتالیاییها گرفته اند ، بزبان ایتالیائی آنرا دولچه ملی (Dolcemele) مینامیدند . این کلمه ترکیبی است از دوواژه که قسمت اول آن یعنی دولچه (Dolce) مشتق از دولچیس (Dolcis) لاتین و بمعنی شیرین و مطبوع میباشد . قسمت دوم آن

از کلمه یونانی ملوس (Mélus) - که کلمه ملدی نیز از آن ساخته شده - مشتق گردیده است و بمعنی آهنگ و نواست^۱. بنا بر این معنای کلمه در زبان ایتالیائی دوره قرون وسطی «خوش آهنگ» بوده است.

سنتور هم مثل قانون از سازهای بسیار قدیمی است و قدیمیترین اثری که از این ساز و سازهای مشابه با آن در حجاریهای قدیم میتوان یافت نقشهایست که از حجاریهای آشور در دست میباشد. در یک صف تشریفاتی که بافتخار آشور بانیپال (۶۶۹ ق. م. بتخت نشست) حجاری شده نقش سازی دیده میشود که با احتمال نزدیک بیقین از اجداد همین سنتور امروزی ما میباشد. تعداد سیمهای این ساز که با احتمال قوی کمتر از ده تا نیست روی جعبه مجوفی کشیده شده است. نوازنده ساز قطعه چوب یا استخوانی بدست راست دارد که آنرا مثل چکش روی سیمها میکوبد و در همان حین بادست چپ روی سیمها فشار می آورد و صدائی که دلخواه اوست بوجوه می آورد. چنانکه از نقش مزبور برمی آید نوازنده هنگام نواختن سنتور آنرا بگردن خود می آویخته است ولی سنگتراشی که نقش را حجاری کرده از نشان دادن بند یا تسمه ای که این منظور از آن حاصل میشود خودداری کرده است.

در کتاب تورات (متن انگلیسی) نیز دو ساز مذکور یعنی سنتور و قانون هر دو ذکر شده^۲ و این خود دلیل قدمت آنها میباشد^۳. در تورات فرانسه کلمه سنفونی (Symphonie) در مورد این ساز بکار برده شده است^۴.

۱ - کلمه ملوس Mélus در زبان یونان قدیم بمعنی آواز است و واکنز نخستین بار آنرا در اپراهای خود در مورد رسیتاتیو Recitative بکار برد.

۲ - کتاب دانیال، باب سوم آیه دهم.

۳ - در این قسمت از ترجمه تورات بزبان فارسی که از زبانهای عبرانی و کلدانی و یونانی ترجمه شده چند اشتباه مشاهده شد. اول اینکه تعداد سازها که در کتاب دانیال باب سوم آیه دهم ذکر شده در تورات فرانسه و انگلیسی شش تا است در حالیکه در ترجمه فارسی پنج است. دوم کلماتی که در زبانهای فرانسه و انگلیسی به سنتور و قانون و چنگ ترجمه میشود در تورات فارسی عود و بربط و سنتور تعبیر شده. عود و بربط هم که یکی است پس چهار ساز بیشتر ذکر نکرده و آن هم اشتباه است.

۴ - رجوع کنید بمقاله شماره ۶، بهمن ماه ۱۳۳۵ مجله موسیقی صفحه ۷۸ ارغنون.

در دایرة المعارف یهود، جلد چهارم صفحه ۴۳۲ کلمه پسانتر (Psanter) بمعنی پیانو تعبیر شده و چون جد پیانو چنانکه بعد خواهیم دید همین سنتور است بعید نیست کلمه مذکور با سنتور بی ارتباط نباشد.

اولیاء چلبی در کتاب خود از سنتور (صنتور) نام میبرد ولی راجع بشکل و طرز نواختن آن چیزی اظهار نمیکند.

رئوف یکتایک از علمای بزرگ موسیقی در ترکیه در دایرة المعارف لائوینیاک چاپ ۱۹۲۲ میلادی مینویسد سنتور در اصل از آلات موسیقی قوم یهود بوده است. اظهارات رئوف یکتا با مدارکی که در دست میباشد تطبیق میکند.

در دایرة المعارف موسیقی لاروس میگوید که با احتمال قوی قانون قدیمی - تر از سنتور است ولی دلیلی ذکر نمیکند.



این سینا از سازی صحبت میکند که دارای سیمهای دست باز (مطلقه) میباشد و بتوسط چکشهایی بروی سیمهای آن میکوبند و آنرا صنج شینی مینامد (چنگ چینی). پرواضح است که این همان سنتور میباشد حالا چرا نسبت آن بچین داده شده درست معلوم نیست.

کلمه سنتور از لغت آرامی مشتق شده ولی احتمال داده شده است که ریشه آنرا در زبان یونان قدیم میتوان یافت. از طرف دیگر سنتور

از جمله سازهاییست که اقوام یهود بی اندازه بآن علاقمند بوده اند. تفاوتش با جعبه قانون در اینست که در سنتور دو ضلع دو طرف هر دو مایل است در صورتیکه در قانون یک ضلع عمود بر قاعده آنست. سنتور امروزه در ایران بیش از سایر کشورهای خاور میانه رایج

میباشد. در کشور های بالکان نیز معمول است و آنرا بهمراهی ارکستر مینوازند. شاردن (Chardin) سیاح معروف که در قرن هفدهم میلادی بایران آمده رواج آنرا در ایران متذکر میشود.

در ترکیه سنتوری وجود دارد که آنرا سنتور ترکی مینامند و دارای ۱۶۰ سیم است و عموماً یهودیها آنرا مینوازند. سیمهای این سنتور بدسته های پنج تایی تقسیم شده و بر روی هم سی و دو نغمه از آن بدست میآید یعنی تقریباً دو اوکتاو کروماتیک. يك نوع سنتور دیگر در ترکیه معمول است که آنرا سنتور فرنگی مینامند و همان سنتور کامل شده فرنگی است که

توسط حلیم بیگ نامی از اروپا بترکیه برده شده است. این سنتور دارای ۱۰۵ سیم میباشد که بدسته های پنج تایی تقسیم میشود و بسنتور معمول در ایران بیشتر شباهت دارد.

در زمان لومنی چهاردهم سنتوری توسط شخصی بنام پانتا لئون (Pantaleon) ساخته شد که عبارت بود از دو جعبه صوتی و مجموعاً دارای ۱۸۵ سیم بود که تقریباً يك اوکتاو آن از جنس روده گربه ساخته شده و بقیه از سیم بوده و مخترع آن در سال ۱۷۰۵ با این ساز عظیم پیاریس آمده و در حضور لومنی چهاردهم آنرا نواخته است. پادشاه مزبور



نیز پیاس زحمتی که در اختراع آن کشیده بود آنرا بنام خود او موسوم ساخت.

همانطور که تذکر داده شد سنتور قبل از آغاز دوره قرون وسطی باروپا راه یافته و مورد قبول عامه واقع شده است. و چون موسیقی و هنر از اوائل پیدایش مذهب مسیح در استخدام آن مذهب در آمد هنر مندان اروپا بتکامل آن کوشیدند. تا بالاخره اولاد خلفی از سنتور بنام پیانو بوجود آمد

که امروزه آنرا سلطان سازها می‌شناسند .

اما قانون درعالم اسلام باشکال مختلف وجود داشته و هر يك بنام مخصوص بخودی نامیده می‌شده است . نام دو ساز دیگری که در کتابهای نویسندگان و مورخان اسلامی میتوان یافت و بااحتمال قوی شبیه بقانون بوده است یکی نزهه بروزن شبیه ودیگر مغرفه بوده است . مؤلف کنزالتحف اختراع نزهه را به صفی‌الدین عبدالؤمن نسبت داده است .

صفی‌الدین ازدانشمندان بزرگ عصر خود بوده و مخصوصاً در موسیقی اطلاعات مبسوطی داشته و ازخوشنویسان زمان خود بیز محسوب می‌شده است علاوه بر نزهه اختراع ساز دیگری را بنام مغنی که بااحتمال قوی همان شاهرود باشد و سازی بوده مرکب ازقانون و بر ربط نیز باو نسبت میدهند و میگویند صفی‌الدین مغنی را در اصفهان اختراع کرد .

راجع بشاهرود یا مغنی اطلاع زیادی در دست نیست . مؤلف کنزالتحف در قرن هشتم شکلی از آن در کتاب خود رسم کرده است ولی از روی آن شکل تشخیص وضع حقیقی آن ساز کاملاً معلوم نیست . بنا بر روایت قدیمی تر ساز

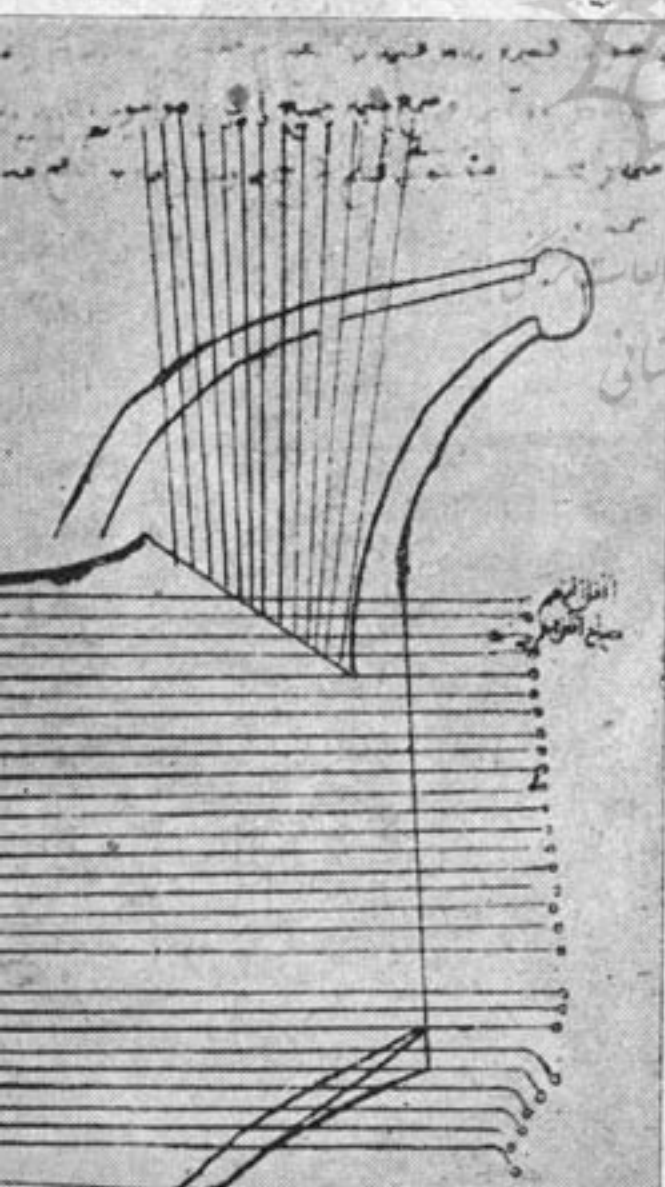
شاهرود . نقل از «کتاب الموهب سیقی» فادایی

مزبور ازسی و شش تاهفتاد و دو سیم داشته و در دربار خلفای بغداد بسیار معمول و رایج بوده است .

شاهرود نیز بعدها بکشورهای اروپا راه یافت و کاملش و بصورت سازی بنام ارچ لوت (Archilute) یا بر ربط بزرگ معروف گردید .

مغرفه نیز بنا بقول لیسن (Lane) ۱ سازی بوده است شبیه بقانون که بیشتر در نواحی جنوب غربی ایران و جنوب عربستان رواج داشته است .

راجع به مغرفه توضیح کافی در دست نیست . حکیم فارابی می‌گوید مغاریف سازی است که سیمهای مطلق دارد و نویسندگان دیگر آنرا



شبهه و جزء «برایبط» (جمع بربط) و عیدان (جمع عود) ذکر میکنند. اولیاء چلبی مخترع مغرفه باقانون را نوازنده معروفی بنام علی شاه ذکر میکند.

کلمه غرف در لغت تازی بمعنی صدای جن است. اما چه وجه شباهتی بین صدای این ساز و صدای جن بوده است معلوم نیست چه جواب این سؤال را تنها کسانی که صدای جن را شنیده اند میتوانند بدهند^۱. بهر حال مغرفه از جمله سازهاییست که از صدر اسلام بیعد در سرتاسر کشور - های اسلامی رواج داشته و عبارت بوده است از جعبه ای که سیمهای روی آن کشیده شده بوده است و بالمس کردن این سیمها (اوتار مطلقه) بصدا درمی آمده^۲. علمای صدر اسلام مثل جوهری و دیگران مینویسند که مغرفه را مثل بربط و تنبور مینوازند یعنی با انگشت یا با مضراب. مؤلف مفاتیح - العلوم در قرن چهارم هجری اظهار میکند که مغرفه یک ساز زهی است متعلق بمردم عراق در حالیکه نویسنده دیگر آنرا از مردم یمن میداند. در کتاب الاغانی روایت شده است که محمد بن الحارث بن بوسخور ابو جعفر که اصلاً ایرانی و از مردم ری و پدرش قاضی بغداد بوده است عشق زیادی بموسیقی داشته و همیشه دختران خوش صدا در خدمت او بودند. این محمد نزد ابراهیم موصلی مغرفه تعلیم میگرفت. مؤلف کتاب الاغانی همچنین تذکر میدهد که مغرفه از جمله سازهاییست که کمتر بدست نوازندگان دوره گرد افتاده و بهمین جهت در مجالس انس امیران و خلفا بیشتر مورد قبول واقع شده است. ابن سینا ضمن بحث راجع بالآلات موسیقی که سیمهای آن روی جعبه ای کشیده شده از ساز دیگری نام میبرد. ساز مزبور عنقا است که از اسم آن چنین برمی آید که دارای گردنی بلند بوده شبهه بمرغ عنقا و طول سیم -

۱ - با احتمال قوی از روی همین قرینه میتوان استنباط کرد که اختراع مغرفه مربوط بدوره ای میباشد که مردم بجن و پری عقیده داشته و آنها را در زندگی خود موثر میدانسته اند، در اوایل دوره اسلامی نوازندگان عقیده داشتند که ذوق موسیقی را جن ها بآنها الهام میکنند.

۲ - این ساز که امروزه بین ما ایرانیان بنام قانون معروف است با وجود صدای دلپذیری که دارد متروک شده است ولی خوشبختانه اداره کل هنرهای زیبای کشور در صدد ترویج آن میباشد و این موجب کمال خوشوقتی است.

های آن متفاوت بوده است. ولی این ساز دارای پل یا خرك هائی (حمیلات) بوده است. چنانکه ملاحظه میشود وجود خرك در این ساز در شکل و طرز بکار بستن آن تأثیر دارد. باین معنی که امروزه قانون و سنتور هر دو دارای خرکهای متحرک هستند که در موقع كوك کردن ساز جای آنها تغییر داده میشود در صورتیکه بعضی از انواع سازهای مزبور خرك نداشته بلکه جعبه صوتی آن غالباً بشکل مثلث یا اشکال دیگر نظیر آن ساخته میشود که در طول سیم تغییر ایجاد کند. از توضیحاتی که ابن سینا و دیگران راجع بهنقا میدهند میتوان احتمال داد که این ساز چیزی شبیه بقانون امروزی بوده است. از طرف دیگر کلمه عنقا یا سیمرغ در مقابل کلمه یونانی فنیکس (Phoenix) میباشد و این کلمه هم در یونان قدیم نام سازی بوده است.

ابن غیبی معتقد است که قانون را افلاطون اختراع کرده است در حالیکه بعضی دیگر مخترع آنرا فارابی میدانند. اصل کلمه قانون یونانی است. در اسپانیا نیز این ساز رواج داشته و جزء سازهای محلی آن کشور محسوب میشود است. مؤلف کنزالتحف تنها کسی است که بتفصیل راجع بقانون صحبت میکند و میگوید قطر جعبه صوتی قانون کمی بیش از يك گره باید باشد و چوب آنرا باید از تنه درخت مو انتخاب کنند. ضلع بلند جعبه زودنقه مانند قانون دو برابر ضلع کوتاه یا قاعده فوقانی آن است. مؤلف کنزالتحف میگوید تعداد سیمهای قانون هفتاد و چهار تا است در صورتیکه ابن غیبی آنرا هفتاد و دو ذکر کرده است.

نکته ای که در پایان این مقال باید متذکر شویم اینست که از این دو ساز قانون و سنتور دو ساز مهم در اروپا بوجود آمد که همانطور که تذکر دادیم یکی پیانو و یکی دیگر کلاوسن میباشد و تاریخ تحول سنتور و قانون به پیانو و کلاوسن بحث طولی است که از حدود این مقاله خارج میباشد.